

شکل

۲

از فراگیر انتظار می‌رود، پس از پایان این فصل بتواند:

- ۱- شکل را تعریف کند.
- ۲- اهمیت عنصر شکل در هنرهای تجسمی را شرح دهد.
- ۳- تفاوت شکل به صورت سطح و حجم را بیان کند.
- ۴- طبیعت گرابی و اغراق را در هنرهای تجسمی شرح دهد.
- ۵- شکل‌های طبیعت گرایانه یا اغراق آمیز را در آثارش به کار برد.
- ۶- ویژگی شکل‌های بنیادی را شرح دهد.
- ۷- از شکل‌های بنیادی در آثارش به درستی استفاده کند.
- ۸- از شکل‌های مثبت و منفی در آثارش به خوبی استفاده نماید.
- ۹- در آثار هنرمندان و مشاهیر شکل‌های اغراق آمیز را توصیف نماید.
- ۱۰- نقدی از آثار خود با توجه به شرایط و کاربرد شکل‌های بنیادی ارائه نماید.
- ۱۱- حالات شکل‌های مثبت و منفی را با ذکر خصوصیات آن، شرح دهد.

اهداف رفتاری

درس در یک نگاه

- شکل از طریق محصور شدن محیطی و یا لکه رنگ به وجود می‌آید.
- شکل می‌تواند به صورت دو بعدی (سطح) و یا سه بعدی (حجم) باشد.
- وقتی شکل مثبت وضوح پیدا می‌کند که اطراف آن را تصویر منفی یا بافت احاطه کند.
- هرگاه شکل مثبت و منفی به یک اندازه انرژی داشته باشند وارونگی شکل و زمینه اتفاق می‌افتد.
- در یک اثر هنری فضاهای منفی نیز به اندازه فضاهای مثبت ارزشمند می‌باشند.

- وقتی درجه بندی سایه و روشن صورت گیرد، حجم به وجود می آید.
- اما امروزه پیشرفت هنر عکاسی باعث شده است که نقاشان و طراحان به اغراق در آثارشان بیش تر روی آوردند و از عین گرایی پرهیز می کنند.
- آبنسره نوعی ساده سازی تصاویر طبیعی به کمک اشکال هندسی و غیر هندسی است.
- گاهی، هنرمندان از ویژگی بصری اشکال پایه (مثلث، مربع، دایره) برای القاء مفاهیم استفاده می کنند.
- «آرت نوو» سبکی مربوط به قرن نوزدهم است که تأکید بر روی خطوط منحنی با شکل های طبیعی دارد.



تصویر ۱-۲- سطح در طبیعت

شکل ۱

ما در محیط پیرامونمان به صورت های مختلفی با شکل مواجه می شویم و بسیاری از دریافت هایمان از طریق اشکال صورت می گیرد. به طور کلی در طبیعت اشکال به صورت هندسی و یا غیر هندسی دیده می شوند. و می توانند دو بعدی یا سه بعدی باشند. به عبارت دیگر اشکال از نظر بعد به دو صورت سطح و حجم مطرح می شوند (تصویر ۲ و ۱-۲).



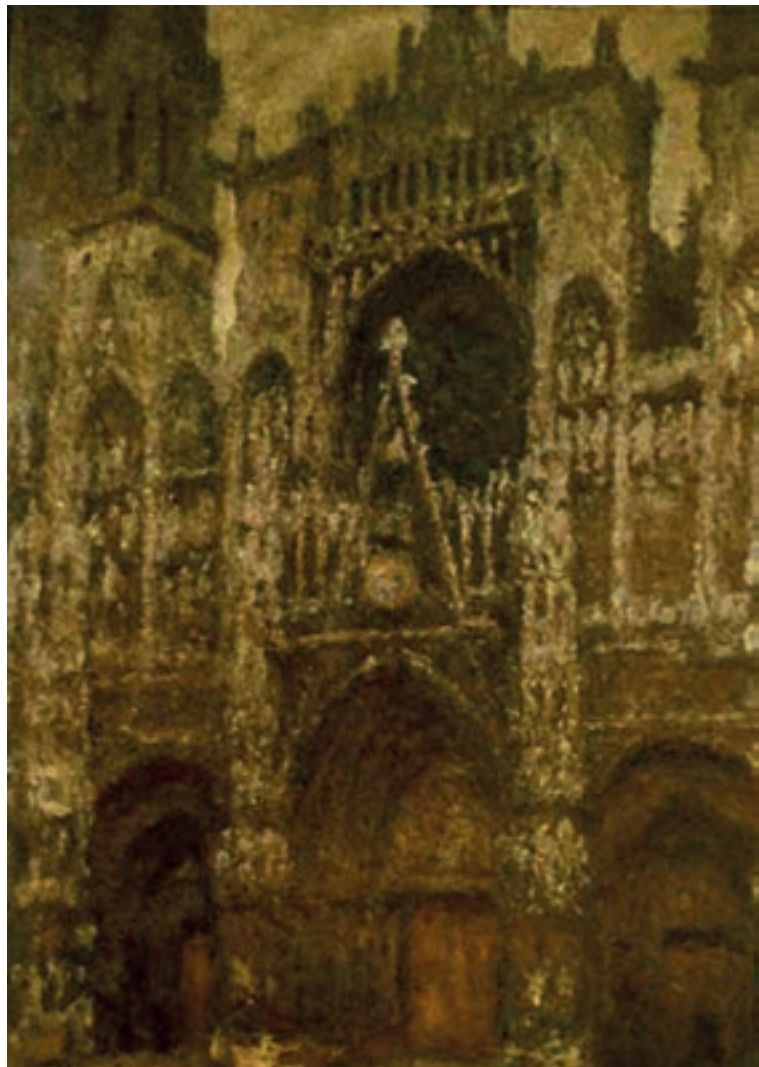
تصویر ۲-۲- تنوع سطح و حجم در طبیعت



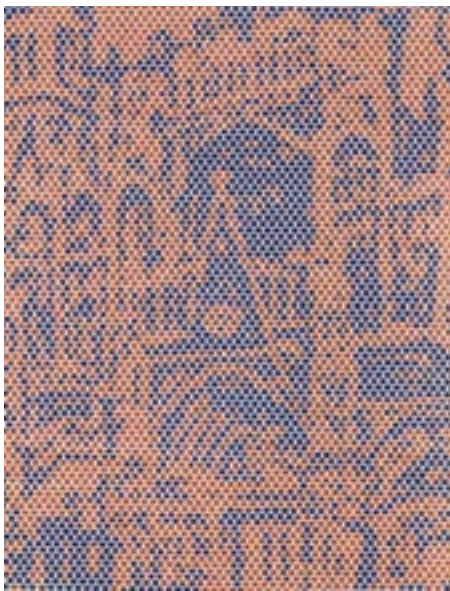
در هنرهای بصری هر محدوده‌ای که از طریق بسته شدن یک خط و یا رنگ به وجود آید، شکل نامیده می‌شود.

در به وجود آوردن یک اثر بصری، نحوه چیدمان اشکال در کادر از ارزش بالایی برخوردار است، زیرا یک شکل می‌تواند رنگ و یا بافت نداشته باشد، اما برای تشکیل آن وجود شکل ضروری است.

در بازنمایی تصاویر بیش‌ترین بیان معانی و نور به وسیله شکل صورت می‌گیرد. در تصویر ۲-۳ الف که یک اثر امپرسیونیستی می‌باشد نورها و سایه‌ها، اشکال را به وجود آورده‌اند. و اگر این تصویر را از نزدیک و دقیق بررسی کنیم نقاط بسیاری را می‌بینیم که اشکال و تصاویر را ساخته‌اند و در نهایت با تشکیل شکل، تصویر قابل شناخت و ادراک شده است (تصویر ۲-۳ ب).



(الف)



(ب)

تصویر ۲-۳- بخش‌ی از اثر کلودمونه

شکل به صورت سطح یا حجم

با شنیدن واژه شکل معمولاً به یاد عنصر دو بعدی می‌افتیم، هر چند که در مواردی نیز شکل‌های مسطح به صورت سه بعدی (مجازی) ظاهر می‌شوند^۱ (تصویر ۴-۲). وقتی صحبت از حجم می‌شود توده‌ای سه بعدی در نظرمان مجسم می‌شود.

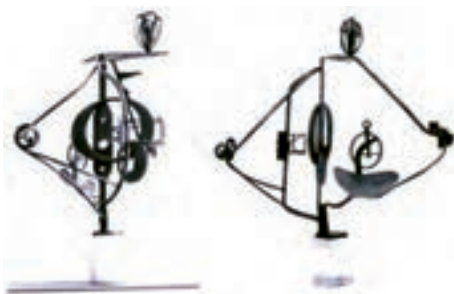


تصویر ۴-۲- ایجاد حجم مجازی بر روی سطح

به بیان دیگر شکل در آثار دو بعدی به صورت سطح و در آثار سه بعدی به صورت حجم مطرح می‌شود. و در این رابطه نور عامل مهمی می‌باشد، زیرا نور نقش تعیین کننده‌ای در بیان حجم دارد.

اشکال در آثار دو بعدی مانند نقاشی معمولاً ثابت هستند زیرا زاویه دید ناظر در آن تأثیر زیادی ندارد. اما در آثار حجمی زاویه دید از اهمیت بالایی برخوردار است و با حرکت در اطراف یک اثر حجمی و بررسی اشکال می‌توان تغییرات آن را بررسی کرد.

همین امر سبب شده است که طراحان مجسمه‌ساز از زوایای مختلف به بررسی اثر خود بپردازند و گاهی به علت محل قرارگیری حجم آن را از زوایای پایین و بالا نیز کاملاً مورد بررسی و توجه قرار دهند (تصویر ۶ و ۵-۲).



تصویر ۵-۲

۱- همان‌طور که در سال‌های قبل آموخته‌اید در هنرهای بصری دو بعدی، ایجاد حجم و بعد سوم، در اثر نوعی خطای چشمی به وجود می‌آید، به این معنی که در کلیه تصاویر دو بعدی مانند نقاشی، طراحی، عکاسی و... عمق و بعد سوم با استفاده از فن پرسپکتیو به دست می‌آید که نوعی خطای بصری به شمار می‌رود. ولی حجم در هنرهای سه بعدی، مانند مجسمه‌سازی معماری و... واقعیتی قابل لمس است.



تصویر ۶-۲- گاهی اجمام در فضایی قرار می‌گیرند که زاویه دید بالا نیز دارای اهمیت می‌شود.

در بعضی از آثار بصری به طور قاطع نمی‌توان مشخص کرد که کار، دو بعدی یا سه بعدی است. به طور مثال در آثار حکاکی، نقش‌ها عمق و یا برجستگی کمی دارند، هم دارای خصوصیات کارهای حجمی هستند و هم از بعضی جهات دو بعدی محسوب می‌شوند (تصویر ۷-۲).



تصویر ۷-۲- نقش برجسته

امروزه بسیاری از هنرمندان کوشش می‌کنند مرز بین نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی و معماری را شکسته و باروش‌های مختلفی عناصر دو بعدی و سه بعدی را با یکدیگر ترکیب کنند. به طور مثال در تصویر ۸-۲ طراحی و حجم ارائه شده مکمل یکدیگرند. در این تصویر یک نقاشی رنگ و روغن از قایق‌ها در کنار یک کار سه بعدی گذاشته شده است. و به نظر می‌رسد اثر حجمی گونه دیگری از همان نقاشی است. عناصر حجمی در این نقاشی بیش‌تر اشاره به سطح دارد و توسط کادر بریده شده است. در اثر حجمی نیز هنرمند شکل را به همان صورت بریده و به نمایش در آورده است، و از این طریق هنرمند تمایل همیشگی به وجود آوردن «سه بعد» در آثار نقاشی را مورد توجه قرار داده است.

اغراق در شکل

بسیاری از مردم فکر می‌کنند تصاویر اغراق آمیز و انتزاعی مربوط به هنرمندان می‌باشد. اما همانطور که تصاویر و طراحی‌های باقی‌مانده در غارها گواهی می‌دهند، استفاده از اغراق از ابتدای تاریخ وجود داشته است (تصویر ۹-۲).

تصویر ۸-۲ - به کارگیری حجم واقعی در کنار حجم مجازی

تصویر ۹-۲ - نقاشی، غار لاسکو فرانسه، دوره پارینه سنگی



البته تا قبل از اختراع عکاسی هنرمندان تمایل
بیش‌تری به کشیدن تصاویر طبیعت گرایانه داشتند.
در طرح‌ها و نقاشی‌های پیکاسو این شیوه به خوبی
مشهود است (تصویر ۱۰-۲).

هنرمندان مجسمه‌ساز نیز معمولاً در آثارشان از طریق
اغراق به بیان افکار و احساساتشان می‌پردازند که در این
مورد آثار آلبرتو جاکومتی گویای این مطلب می‌باشند (تصویر
۱۱-۲).

اغراق در هنر گرافیک نیز برای بیان بهتر مفاهیم به کار
گرفته می‌شود. در تصویر ۱۲-۲ فرم انسانی به صورت
اغراق‌آمیزی کشیده شده است و دلیل آن ویژگی‌های بازی
بسکتبال است، که بازیکنان در آن دائم در حال حرکت و پرش
هستند و این تصویر نیز به صورت اغراق‌آمیزی بر این امر تأکید
دارد.



تصویر ۱۰-۲ اثر پیکاسو، طراحی و آنالیز شکل گاو



تصویر ۱۲-۲ اغراق در تصاویر گرافیکی



تصویر ۱۱-۲ جاکومتی

طبیعت‌گرایی^۱ و آرمان‌گرایی^۲

در طبیعت‌گرایی با ظاهر اشیاء به همان صورت که در جهان پیرامون با آنها روبرو هستیم، مواجه می‌شویم. در تضاد با این نوع برخورد با تصویر، شیوه دیگری در هنر وجود دارد به نام آرمان‌گرایی، در این شیوه هنرمند جهان را دوباره می‌سازد نه آن‌گونه که هست، بلکه آن‌گونه که باید باشد و به اصلاح کاستی‌ها و ناسازگاری‌های جهان بصری می‌پردازد. هنرمندان رنسانسی در نقاشی‌هایشان در پی نمایش آرمان‌ها بودند، نه از آن جهت که از نگرستن به دنیا پرهیز داشتند، بلکه از آن رو که می‌خواستند حقیقت مطلق و پنهان در این جهان را بیابند.

در آرمان‌گرایی (ایده‌آلیسم)، روح، ذهن یا روان فراتر از بدن – که مادی و تاریخ‌مند است – می‌باشد و جهان فیزیکی نسبت به ذهن اهمیت کمتری دارد. ایده‌آلیسم در آثار داوینچی، رافائل، میکل‌آنژ با تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در آثار میکل‌آنژ بدن‌ها با استفاده از عظمت در تناسبات به صورت آرمانی در می‌آیند و پیکرها اغلب به شکل حیرت‌انگیزی عضلانی هستند. آرمان‌گرایی لئوناردو داوینچی نیز تفاوت داشت، ویژگی هنر او تأکید بر یافتن عنصر الهی و ملکوتی در وجود انسان‌های کامل و بی‌نقص بود. نمایش حالات ظریف و دقیق در چهره‌ها، هماهنگی پیکر با محیط اطرافش و حذف جزئیات غیر ضروری برای القای حرکت، همگی جنبه‌ای از آرمان‌گرایی لئوناردو داوینچی هستند (تصویر ۱۳-۲).



تصویر ۱۳-۲- اثر لئوناردو داوینچی

در آثار رافائل نیز بیکرها به همان میزان آرمانی هستند، اما بیش از عظمت و شکوه جسمانی، با شیرینی بیان، آرامش و وقار، لطافت و زیبایی، وضوح در خط و زیبایی در رنگ ترسیم شده‌اند. در اثر رافائل تصویر ۱۴-۲- بیکرها به صورت آرمانی تصور شده‌اند و از لحاظ شکل و رنگ بسیار زیبا هستند. ترکیب‌بندی حس سادگی و وضوح را در مخاطب تقویت می‌کند. سادگی و وضوح دو آرمان عمده‌ای هستند که رافائل پیوسته در آثارش دنبال می‌کند.

همه ما به گونه‌ای آرمان‌گرا هستیم و برای رسیدن به کمال می‌کوشیم. مدارک به‌جا مانده در آثار تاریخی گواه این مسئله است که انسان باور دارد که می‌تواند جهانی بسازد بدون جنگ، فقر، بیماری، بی‌عدالتی و هنر و به صورت دوره‌ای و آشکار این مدینه فاضله را بازنمایی می‌کند.



تصویر ۱۴-۲- اثر رافائل

ماهیت شکل

در آثار هنری ماهیت تصویر با تغییراتی که در آن به وجود می‌آید می‌تواند بسیار متفاوت شود. نوع به خصوصی از تغییر در هنر که با ساده‌سازی تصاویر طبیعی همراه است. در این شیوه جزئیات نادیده گرفته شده و معمولاً تا جایی که امکان دارد ساده می‌شود (تصویر ۱۵-۲).

در چنین اثری آنچه که مهم و آشکار است سادگی آن است. البته درجه ساده‌سازی می‌تواند متفاوت باشد مثلاً در تصویر ۱۵-۲ جزئیات تصویر حذف شده و فرم‌ها به اشکال هندسی نزدیک شده‌اند اما هنوز موضوع اصلی به راحتی قابل شناسایی است.

ساده کردن تکنیک جدیدی نیست و در قرن‌های پیش نیز به کار می‌رفته است در تصویر ماسک چوبی (۱۶-۲) فرم‌ها ساده شده و هندسی هستند و یک اثر آبستره محسوب می‌شود هرچند که با تصویر ۱۵-۲ خیلی متفاوت است. از این مقایسه می‌توان به این نتیجه رسید که، یکی از قاعده‌های هنر آبستره تقریباً هندسی کردن اشکال در ساده‌سازی است. البته همانطور که گفته شد میزان این ساده‌سازی می‌تواند متفاوت باشد و همیشه موضوع اصلی یک کار آبستره به راحتی قابل شناسایی نیست. در مواردی نیز شکل‌ها یادآور تصویر خاصی نیستند. در تصاویر ۱۷-۲ الی ۲۰-۲ درجات متفاوتی از آبستره قابل مشاهده است.



تصویر ۱۶-۲- ماسک چوبی، آبنسره، هنر آلاسکا



تصویر ۱۵-۲- پاول روسیکا، رنگ روغن، نیویورک

تصویر ۱۸-۲- اثر نائوم گابو

تصویر ۱۷-۲- اثر حجمی، آبنسره، مردان سیاست





تصویر ۲۰-۲- مفرغ لرستان

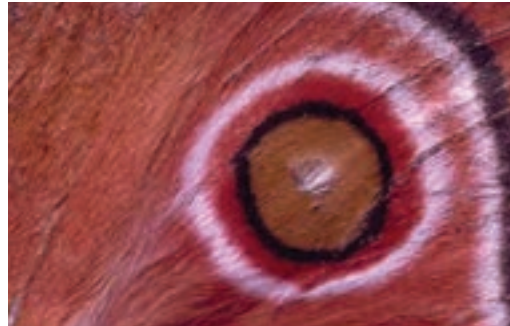


تصویر ۱۹-۲- به وجود آمدن تصاویر آبستره توسط خطوط غیر هندسی آرشیل گورکی، رنگ روغن، موزه هنر مدرن نیویورک



انواع شکل

در مبحث خط گفته شد که از تکرار نقطه خط به وجود می‌آید. در مورد سطح نیز می‌توان گفت، که از تکرار و حرکت خط در فضا در جهتی مخالف حرکت اصلی، خود به وجود می‌آید. و یا همان‌طور که اگر دو نقطه در فاصله مرتبط با هم مطرح شوند خط ذهنی را القا می‌کنند، به همین نحو در صورتی که حداقل سه نقطه در فاصله‌ای مرتبط با هم مطرح گردند، فضایی را مشخص می‌کنند که به صورت سطح ذهنی قابل درک می‌باشد. همان‌طور که در ابتدای مبحث گفته شد، از بسته شدن یک خط نیز سطح به وجود می‌آید که می‌تواند به صورت غیر هندسی و یا هندسی باشد (تصویر ۲۱-۲).



تصویر ۲۱-۲- نمونه‌هایی از اشکال در طبیعت

سطح هندسی در سه شکل بنیادی مربع، مثلث و دایره خلاصه می‌شود که هر کدام از نظر بصری دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند و جهت بصری خاص و معناداری را بیان می‌کنند، مربع جهت افقی و عمودی، مثلث جهت اریب و دایره جهت دورانی. هنرمندان نیز از این ویژگی‌ها برای القاء مفاهیم مورد نظر خود بهره می‌گیرند.

مثلاً شکل مربع به علت داشتن زوایای 90° درجه و خطوط عمود، محکم و استوار دیده می‌شود و نمودار سکون، منطق و مردانگی است (تصویر ۲۲-۲). مربع که چهار ضلع دارد از نظر فلسفی وابسته به نظم گیتی و جهان مادی است و به طور نمادین آن‌چه را که برای ساختن جهان ضروری است، نمایش می‌دهد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد الگوی چهار ایوانی از دوره ساسانی اشاره به چهار جهت اصلی^۱، چهار عنصر^۲ و چهار فصل و چهار دوره عمر آدمی دارد. الگوی چهار پس از اسلام در مساجد چهار ایوانی و چهار باغ و... ادامه می‌یابد. (۲-۲۳)



تصویر ۲۲-۲



تصویر ۲۳-۲



۱- شمال، جنوب، مشرق، مغرب
۲- آب، باد، خاک، آتش

دایره از بعضی جهات معنایی متضاد با تصویر مربع دارد. مثلاً دایره بیانگر حرکت و احساس است و می‌تواند نمادی از زنانگی باشد.

دایره مانند کره نمادی است برای کیهان و آسمان‌ها، دایره چون دارای آغاز و پایانی نیست دلالت، بر ابدیت دارد. شکل دایره به صورت نماد در فرهنگ‌های مختلف دیده می‌شود.

شکل مثلث به علت دارا بودن زوایای متفاوت و نحوه قرارگیری، دارای حالات متغیری است و می‌تواند القاکننده ایستایی و استحکام و یا تزلزل باشد.

مثلاً مثلثی که قاعده‌اش پایین باشد، شکلی پایدار بوده و می‌تواند نماد استحکام باشد و برعکس هرگاه بر یکی از رئوس خود قرار گیرد حالت ناپایدار و متزلزل به خود می‌گیرد (تصویر ۲۴-۲).

هنرمندان از حرکت اریب و پر انرژی مثلث در آثار خود بسیار بهره برده‌اند (تصویر ۲۵-۲).



تصویر ۲۵-۲- شاهنامه بایسنقری، کشتن اسفندیار ارجاسب - دوره تیموری



تصویر ۲۴-۲- نمایش حرکت با استفاده از شکل مثلث

کاربرد خط در ایجاد شکل

به تصاویر ۲۸ و ۲۷ و ۲۶-۲ نگاه کنید. چه خطوطی در این تصاویر دیده می‌شوند؟ همان‌طور که مشاهده می‌شود روحیه خطوط منحنی و شکسته در این آثار کاملاً تأثیرگذار است.



تصویر ۲-۲۶



تصویر ۲-۲۷



تصویر ۲-۲۸



شکل صندلی با استفاده از خطوط منحنی منتقل کننده حس راحتی و نرمی می‌باشد. در تصویر ۲۹-۲ تأکید بر روی خطوط و سطوح منحنی تیره و روشن است. این پوستر که مربوط به قرن نوزدهم میلادی می‌باشد معرف سبک «آرت نوو» است. هنرمندان این جنبش علاوه بر آمیختن رشته‌های مختلف هنری با یکدیگر می‌کوشیدند هنری نو را پدید آورند و به همین منظور به بهره‌گیری از سبک‌هایی رو آوردند که کمتر شناخته شده بود. بدین ترتیب شکل‌ها یا شیوه‌هایی را که با جست و جوی انتزاع مبتنی بر حرکت‌های خطی، سازگار بود، از هنر شرقی، قرون وسطایی و با ازگوتیک الهام گرفته و در آثار خود به کار بردند. در این سبک تأکید تصویر بر روی خطوط منحنی با شکل‌های طبیعی است. اصولاً نرمی و لطافت خط منحنی یادآور طبیعت اند در حالی که شکل‌های زاویه دار بیش‌تر تداعی کننده اشکال هندسی و منظم و همین‌طور اشیاء مصنوع و صنعتی است. هنرمندان با استفاده از روحیه خط‌های مختلف به نمایش اشکال می‌پردازند و از این طریق افکار و احساسات خود را به نمایش می‌گذارند به‌طور مثال در تصویر ۳۰-۲ به کارگیری ریتم خطوط مثبت و منفی حرکت و پویایی منظم و هندسی به وجود آورده است.



تصویر ۳۰-۲ به کارگیری پویایی خطوط مثبت و منفی در آثار گرافیک



تصویر ۲۹-۲ پوستر، آرت نوو

شکل‌های مثبت و منفی

در یک کادر تصویری فضای اشغال شده به وسیله تصویر را فضای مثبت^۱ و به اطراف آن فضای منفی^۲ گفته می‌شود. شکل و فضای اطراف آن هر دو دارای اهمیت هستند. در نقاشی با موضوع معین فضای مثبت و منفی معمولاً واضح و روشن بوده و نقطه تأکید بر روی تصویر است. در حالی که فضای منفی نیز به همان اندازه دارای اهمیت می‌باشد. این موضوع در نگارگری‌های ایرانی مورد توجه بوده است به گونه‌ای که در آنها فضای مثبت و منفی دارای یک ارزش‌اند و نمی‌توان سوژه اصلی و زمینه را به راحتی از هم تفکیک کرد. تمام اجزاء، تشکیل یک کل واحد را می‌دهند و به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند (تصویر ۳۱-۲).



تصویر ۳۱-۲- کمال‌الدین بهزاد، مجلس یوسف و زلیخا - مکتب هرات

اما نکته‌ای که اینجا قابل بیان می‌باشد این است که، گاهی در آثار هنری فضای منفی و مثبت هر دو دارای شکل معین و خاص هستند به عنوان مثال در تصویر ۲-۳۲ فضای مثبت و منفی هر دو دارای شکل هستند و هم زمان قابل مشاهده و ادراک هستند و در بیان اثر هنری به یک میزان مؤثر می‌باشند. این شیوهٔ شکل مثبت، منفی در بین هنرهای ایرانی در گره چینی‌ها و مشبک‌کاری‌ها یافت می‌شود (تصویر ۲-۳۳). در این هنرها نیز شکل‌های مثبت و منفی در کنار هم قرار گرفته و هر دو به یک میزان توجه بیننده را به خود جلب می‌کنند و به صورت متناوب دیده می‌شوند.



تصویر ۲-۳۳- تصویرهای مثبت و منفی در گره چینی - ایرانی؛ طرح گره چینی، نمونه‌ای از نقوش هنری ایران



تصویر ۲-۳۲- اثر موريس اشرو- خزندگان



تصویر ۲-۳۴- پوستر نمایشگاه تایپوگرافی، بیژن صفوری - شکل‌های مثبت و منفی متناوب

شکل‌های مثبت و منفی در طراحی حروف نیز بسیار نمود پیدا می‌کنند، حروف فضای مثبت، و بیرون آن فضای منفی محسوب می‌شود و طراحانی که در این زمینه به فعالیت می‌پردازند به زیبایی و فرم شکل‌های منفی بین حروف بسیار توجه دارند (تصویر ۲-۳۴).

اشکال منفی در احجام سه بعدی نیز مطرح است و در ترکیب بندی کلی آن بسیار مؤثر است و در بعضی از آثار هنری حجمی از تصویر منفی برای القاء مفهوم اصلی استفاده شده است (تصاویر ۳۶ و ۳۵-۲).

شکل های مثبت و منفی می توانند دارای ترکیبی باشند که چشم ما به طور مداوم بینشان حرکت کند. به طور مثال در تصویر ۳۷-۲ چشم لحظه ای فضای سفید را می بیند و لحظه ای فضای سیاه را درک می کند و این حرکت هم چنان ادامه دارد، زیرا فضای مثبت و منفی هم ارزش بوده و هر کدام تصویر آشنایی را به نمایش درآورده اند.



تصویر ۳۵-۲- استفاده از فضای خالی
به عنوان یکی از عناصر اصلی اثر



تصویر ۳۷-۲- هم ارزش بودن فضای مثبت و منفی
در این اثر کاملاً مشهود است



تصویر ۳۶-۲- گونه جالبی از فضای منفی در مجسمه سازی برای القای مفهوم



از میان تمرین‌های زیر، یکی را انتخاب و اجرا نمایید

تمرین ۱- از طراحی سایه‌وار^۱ و کاملاً سیاه دو شکل، یک شکل مرکب خلق کنید. در یک الی دو نقطه از محیط، اشکال به همدیگر وصل شوند و خط بسته آنها فضای مثبت و فضای بیرون منفی خواهد بود.

برای مثال تصویر یک گلدان را طوری طراحی کنید که محل هم پوشانی برگ‌ها و گلدان به هم وصل شوند.

با مرکب یا آکرلیک این کار را انجام دهید. در آخر شاهد یک طرح مات و مبهم با لبه‌های کاملاً واضح خواهید بود.

تمرین ۲- چند شکل را در کنار هم با تأکید بر فضای منفی به گونه‌ای طراحی کنید تا اهمیت فضای مثبت و منفی یکسان باشد، در طراحی دوم تأکید بر فضای منفی به گونه‌ای باشد که هرگاه به یک فضا نگاه می‌کنید چشم به فضای دیگر حرکت کند و تشخیص فضای منفی و مثبت راحت نباشد.

تمرین ۳- یک کادر از طبیعت بی‌جان (مستقیماً یا از روی تصویر) انتخاب کنید و اشیاء را یک‌بار با فرم‌های هندسی مثلث و مربع و سپس همان کادر را با اشکال هندسی بیضی و دایره طراحی کنید.

حالا دقت کنید؛ کدام یک از اشیاء دقیقاً در طرح وجود دارند؟ برای کدام اشیاء محدودیت ایجاد شده است؟ در هر دو طرح کدام شیء برجسته‌تر از بقیه است؟

تمرین ۴- صورت خودتان را به عنوان موضوع در نظر بگیرید، یک تصویر کاملاً مسطح با مداد نوک تیز به صورت خطی از آن ایجاد کنید، به تناسب توجه کنید. دوباره طراحی را تکرار کنید اما این بار قسمت‌های بزرگ‌تر مثل پیشانی، گونه و چانه را از تناسب خارج کنید و بزرگ‌تر بکشید



و قسمت‌های کوچک‌تر مثل چشم، بینی و گوش‌ها را کوچک‌تر از اندازه واقعی طراحی کنید. طرح ایجاد شده را می‌توانید به ماسک تبدیل کنید دو ماسک ایجاد شده را با هم مقایسه کنید. تصویر یک حیوان را انتخاب کرده، با توجه به روحیهٔ بارز آن با اغراق در اجزاء به طراحی بپردازید.

کار گروهی

یکی از اشکال هندسی (دایره، مربع، مثلث) را انتخاب کرده با اندازهٔ یکسان برش بزنید حال قسمت‌هایی از شکل را به وسیلهٔ برش خالی کنید. طرح شما می‌تواند با الهام از نقوش سنتی ایران باشد. قطعات آماده شدهٔ گروه را در کنار هم بچینید، هنگام چیدمان به فضاهای منفی مابین اشکال توجه کنید و بهترین حالت را انتخاب کرده و شکل‌ها را بر روی یک زمینه بچسبانید. تغییر رنگ و جنس زمینه و قطعات می‌تواند حالات متفاوتی را به وجود آورد.

با هم گفتگو کنیم

کدامیک از اشکال هندسی در طبیعت بیشتر یافت می‌شود؟ در مورد دلیل آن گفتگو کنید.
